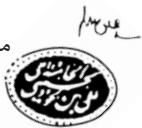




نشریه ی بسج دانشجویی دانشکده فنی دانشگاه تهران
مدیر مسئول: علیرضا مهری
سرمدیر: مجید خسروپور
email: nabz.fanni@gmail.com
پيامک: ۰۹۱۰۴۳۱۸۷
۱۹مهر/۱۳۹۲

«بعضی از آدمهای کم مسؤولیت یا بی مسؤولیت، می خواستند این فریاد مرگ بر امریکا را که مردم ما از ته دلشان کنده می شود، در گلوها خفه کنند و نگه دارند. حالا مردم وقتی که در مقابل چنین صراحتی قرار گرفتند، در هر جای کشور هستند، راحت فریاد می زنند: مرگ بر امریکا!»

مقام معظم رهبری- در دیدار با دانشجویان ۱۳۷۵



حزب الله و وظیفه ای دوگانه در برابر دولت

همه، مسؤولیم

رضاییلیله



تظاهرات هفته گذشته نمازگزاران تهران

مستکبر است و اگر دشمن شقاق و اختلافی بین صفوف ملت ببیند جری تر می شود. حضور در صحنه و حمایت مردم و رهبر معظم انقلاب تکیه گاهی ست برای دولت تا در برابر تهدیدات دشمن، بتواند ایستادگی کند. از سویی دیگر نگارنده هم به مانند غالب مردم به مذاکره بدبین است. چه، دشمن نیرنگ باز است و غدار. مضافاً اینکه برخی سیاست های دولت (من جمله ایجاد رابطه دوستانه فرهنگی اقتصادی) یقیناً برخلاف اصول انقلاب است. به عنوان مثال آقای روحانی همانطور که در دوره دبیری شورای عالی امنیت ملی دنبال پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بودند امروز هم چنین نیتی دارند. و عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی یعنی حل شدن انقلاب اسلامی (نهضتی که برای کنار زدن طواغیت برپا شده بود) در نظام سرمایه داری. و این مساویست با گسترش فرهنگ سرمایه سالاری؛ ربا، تجمل، تبرج، بی عدالتی و ... و یا توسعه روابط فرهنگی یعنی ایجاد مقدمات برای رسوخ فرهنگ منحط غربی در جامعه. با این رویه ها حتی اگر رئیس جمهور از حجاب و عفاف هم بگوید، نه تنها جامعه اصلاح نمی شود بلکه همانطور که در دوران سازندگی دیدیم با گسترش فرهنگ اشرافیت، تبعات آن (فی المثل بی بندوباری) گسترش می یابد.

با این تفاسیر از یک سو باید با حفظ وحدت در میات صفوف ملت از دولت در برابر بیگانگان حمایت کرد و از طرفی دیگر با نقد دلسوزانه، ارزش های انقلاب را حفظ کرد. نقد منصفانه و حمایت هر چند در ظاهر دو رویه متضاد است، لکن در واقع برخاسته از حقیقت واحد می باشد. لذاست که رهبر معظم انقلاب (حفظه ا...) برخلاف باقی خواص و تریبون داران در عین حمایت از دولت، رفتارهای نابجا را نیز نقد می کنند. اما آنچه در این دو رویه مشترک است، عدم انفعال امت حزب ا... و حضور در صحنه است. یقیناً اگر حضور در صحنه و مطالبه گری مردم نباشد، هم در نبرد دیپلماتیک دشمن بر دولت ما چیره می شود و هم با تکرار سیاست های غلط فرهنگی و اقتصادی دوره سازندگی، انقلاب اسلامی که برای پایه ریزی تمدن اسلامی و تمهید مقدمات ظهور حضرت ولی عصر(عج) بوده در مسیری قرار می گیرد که انتهایش حل شدن در نظام سرمایه داری جهانی تحت حاکمیت کفر است.

معظم انقلاب (ایده ا... تعالی) با ذکر این مسئله، یخ انفعال را شکستند. خدایشان خیر دهد.

همچنین جمعه گذشته نمازگزاران در شهرهای تهران، شیراز، مشهد و قم با برگزاری راهپیمایی و تجمع به تلاش های سازمان دهی شده برای حذف شعار «مرگ بر آمریکا» اعتراض کردند تا یک بار دیگر ثابت شود که اصلی ترین تکیه گاه برای تداوم نظام اسلامی حضور مردم بوده. چه، هوشیاری و حضور مردم از طرفی موجب پیروزی های انقلاب شده و از طرفی دیگر دافع دشمنی جهانخوران و حافظ انقلاب از خطر انحراف. اتفاقات جاری هم حضور در صحنه مردم را می طلبد. اما چقدر و چگونه؟

از یک سو دولت آقای روحانی نماینده ملت ایران در مقابل دول

امام امت برای رسیدن جامعه به هدف باید با توجه به نیروهای موجود تاکتیک های مختلفی را اتخاذ می کند. این روش ها هرچند در ظاهر متفاوتند لکن نهایتاً ما را به یک مقصود خواهند رساند. درست مثل «تقیه». مجاهدی که تقیه پیشه می کند هر چند ممکن است در ظاهر به دشمن نزدیک شود لکن این به معنای دوستی با دشمن نیست! بلکه اساساً برای ضربه بیشتر به دشمن، باید تقیه کرد. لکن جماعتی که سه دهه در حسرت دوستی با آمریکا می سوختند، با خلط در معنای «نرمش قهرمانانه» مقصد دیگری را پی گرفته اند.

بعلاوه در جریان مذاکرات و روزهای بعد از آن برخی نشریات دنبال منفعل کردن مردم بودند تا امکان هرگونه ابراز مخالفت در مورد رابطه با شیطان بزرگ و حتی طرح سؤال از مسئولین منتفی شود. از یک سو مدام در این بوق دمیده می شد که مذاکرات زیر نظر رهبر معظم انقلاب بوده تا امت حزب ا... نتوانند بپرسند چطور آمریکای جهانخوار یک شبه حلال مشکلات ما شد؟ به یک باره چه شد که روزنامه آرمان به نقل از آقای هاشمی تیت زد «امام(ره) موافق حذف مرگ بر آمریکا بودند»؟ این بود که بخشی از امت حزب ا... مبهوت و منفعل شد و متأسفانه دانشجویان و طلاب معترض در مراسم استقبال رئیس جمهور از ناحیه این قشر مورد شتمات واقع شدند که «چرا خلاف منویات رهبر معظم انقلاب رفتار کرده اید؟!».

اما سیاه کاری نشریات زنجیره ای به اینجا محدود نشد. هنوز ساعتی از تجمع مسالمت آمیز دانشجویان در استقبال از رئیس جمهور نمی گذشت که سیل تخریب ها علیه فرزندان ملت آغاز شد. در فضایی ناجوانمردانه برچسب هایی چون «تندرو، افراطی، خشونت طلب، طالبانی و ...» نثار منتقدین به سیاست های دولت می شد تا دیگر کسی نتواند اعتراض یا سؤال بکند.

تلخ ترین قسمت ماجرا، انفعال خواص بود. درست در موقعی که تریبون داران باید غبارها را می زدودند، یا سکوت کردند یا صرفاً به خاطر بخش هایی از صحبت های رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل که منطبق بر اصول بود، به صورت دربست و کلی از اتفاقات نیویورک حمایت کردند. آنچه از این خواص انتظار می رفت تمیز دادن حمایت از دولت و حفظ وحدت در مقابل دشمنان خارجی و نقد دلسوزانه بعض رفتارهای نابجا در سفر به آمریکا بود. لکن اینطور نشد تا اینکه رهبر

آیت الله آملی لاریجانی: تصمیم آزادی زندانیان امنیتی قبل از انتخابات گرفته شد

رئیس دستگاه قضا با اشاره به اینکه اقدامات برای آزادی زندانیان امنیتی از پیش از انتخابات آغاز شده بود اظهار داشت: برخی فتنه گران سال ۸۸ دوباره سر برآورده و با تخیلات خود قصد مصادره انتخابات خردادماه را دارند. وی گفت: زمانی که کشور نیاز به آرامش داشت این افراد هماهنگ با رئیس جمهور آمریکا حرف می زدند و با طرح یک دروغ بزرگ، یعنی تقلب در انتخابات می خواستند آرای مردم را مصادره کنند. متأسفانه الان عده ای توقع دارند این افراد برگردند که این توقع باطل است.

پیش شرط گذاری وزیر امور خارجه فرانسه برای ایران

فابیوس در این مورد گفت: «ایران باید هدف این کنفرانس را بپذیرد؛ تشکیل دولت انتقالی که «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه در آن حضور ندارد.» وزیر خارجه در ادامه گفت: «برای ایرانیان باید روشن شود که بین مسئله سوریه و برنامه هسته ای ایران دیواری مانند دیوار چین وجود دارد. آنها نمی توانند بگویند: «ما درباره راهکاری در سوریه توافق کردیم تا شما درباره تسلیحات هسته ای کوتاه بیایید. نه این ها ۲ موضوع متفاوت هستند.» این در حالیست که رئیس جمهور کشورمان پنجشنبه ۱۸ مهر ماه در دیدار با اخضر ابراهیم تاکید کرده است: «جمهوری اسلامی ایران آماده کمک به حل این بحران است و برای شرکت در اجلاس «ژنو۲» نیز چنان چه دعوت بدون پیش شرط صورت بگیرد، جمهوری اسلامی ایران آمادگی حضور را دارد.»

گاردین حسن روحانی را در فهرست نظرسنجی نامزدهای جایزه صلح نوبل قرارداد

به فاصله یک روز مانده تا پایان زمان نظرسنجی روزنامه گاردین در مورد جایزه صلح نوبل، رئیس جمهور ایران در صدر نتایج این نظرسنجی قرار دارد. به گزارش خبرگزاری فارس، در آستانه اعلام برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۳، روزنامه گاردین نظرسنجی ای را در این مورد برگزار کرده است. در حالی که این نظرسنجی فردا به اتمام می رسد، «حسن روحانی» رئیس جمهور ایران در صدر نتایج این نظرسنجی قرار دارد. روحانی در این نظرسنجی فعلاً با کسب ۷۳ درصد از مجموع آراء، در صدر قرار دارد. «ملاله یوسفزی» دختر نوجوان پاکستانی هم که اوایل امسال هدف حمله نیروهای طالبان قرار گرفت نیز در جایگاه دوم است.

اکنون دقیقاً چه کسی مسئول است؟

احسان ابراہیم



تازه‌ترین تجربه برای آزمودن این چند مدل نگاه، همین سفر اخیر هیئت ایرانی به امریکاست. در حالی که آقای روحانی و حواریانش از هر فرصتی برای ممانعت نشان دادن اقدامات خود استفاده کردند، بدنه میانی سیاسیون و رسانه‌های باصلاح‌اولگر، صفحات مطبوعات و وبسایت‌ها را پر کردند از تحلیل‌های آبکی خنده آور پیرامون تعبیر «رتمش قهرمانانه»ی آقا و تطبیق‌های عجیب و غریب آن، حتی بر «سوتی»های هیئت ایرانی. در این میان، کسی که آقا را از ورای ۳۴ سال حضور پررنگ در سطح اول تصمیم‌سازی راهبردی جمهوری اسلامی می‌شناسد، بخوبی می‌فهمد که هیچ نشانه و علتی برای تغییر -چه در سطح استراتژی و چه تاکتیک- در سپهر اندیشه رهبری پدید نیامده است؛ یک علتش تجربه تصمیمات رهبر انقلاب تحت فشارهای سنگین‌تر اقتصادی (چه در زمان ریاست جمهوری و چه رهبری) و یک نشانه دیگرش سخنان همین چند ماه اخیر ایشان (از ابتدای سال تا کنون). اکنون با وجود این ملاحظات، آیا تحلیل نسبت رفتار دولتی‌ها با کل واحدی بنام «نظام» و به ویژه رهبری دشوار است؟

به نظر من کلید تحلیل این مسئله، در فهم ما از قواعدِ سازمانی نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، به عنوان یک نهاد سیاسی دینی مردم سالار، که حاصل پیوند دو افق حاکمیت «الله» و عنصر اراده مردم است، واجد یک سازمان عریض و طویل و نیز مجموعه‌ای از ساز و کارهای ارتباطی میان واحدهای سازمانی خود است. وجه مردم سالارانه نظام اقتضا می‌کند که حاکمیت، بطور حداکثری و بر اساس شایسته سالاری، از ظرفیت مردم در پیشبرد اهداف حاکمیتی بهره گیرد و این خود نیازمند پیش بینی فضا و میدان عمل کافی برای جایگاه‌های مسئولیتی و به اصطلاح واحدهای سازمانی نظام است تا بتوانند ظرفیت و توان خود را در خدمت جریانِ کلان سازمان به کار گیرند.

آیت الله خامنه‌ای، بنعنوان
وفادارترین افراد به ساز و کارهای
بروکراتیک جمهوری اسلامی
در طول سالها حضور در سطح اول

مدیریتی نظام، بارها در کلام و عمل نشان داده که هیچ‌گاه جریان امور را در سازمان مورد تأیید و اتکاء خود از روند عادی خارج نمی‌کند، مگر زمانی که خود همان سازمان و قوانین موضوعه‌اش این رفتار را از جایگاه مسئولیتی ایشان تقاضا کند؛ درواقع به این راحتی‌ها سازمان مورد تأیید خود و قانون حاکم بر آن را در شرایط اضطرار و استثناء تصور و تصویر نمی‌کنند (کاری که البته هر سیاستمدار خبره‌ای باید در قبال قانون مورد ادعای خود انجام دهد). یک شاهد مثال که اتفاقاً شباهت بسیار زیادی به شرایط امروز هم دارد،

پیرامون سفر اخیر هیئت ایرانی به نیویورک و بویژه ملاقات دو وزیر خارجه و نیز مکالمه تلفنی پرحاشیه دو رئیس جمهور ایران و امریکا، گفتنی‌ها بسیار است. بخشی از این گفتنی‌ها در روزهای اخیر گفته شد و بخش مهم‌ترش را هم باید گذر زمان معلوم سازد. اما موضوعی که به نظر می‌رسد به درستی بررسی و پرداخته نشد، نسبت میان نظام/ رهبری و تصمیمات و عملکرد دیپلمات‌های ایرانی است. مسئله‌ای که از چند زاویه قابل تأمل و بررسی است.

نخست قرائتی است که جریان دولت ارائه کرد. آقای روحانی و همکارانش با تمام توان و مهارت خود تلاش کردند تا رفتار خود را تماماً مورد تأیید رهبری معرفی کنند و تصمیمات

خود را، اعم از ملاقات دو وزیر و گفتگوی مستقیم دو رئیس جمهور، تصمیمات رهبری تصویر نمایند. ادعای سنگین آقای روحانی در سخنرانی پیش از سفر به آمریکا که بعدها با ابهام بیشتری تکرار هم شد، مبنی بر اینکه رهبری به او اختیار تام داده است، تنها یک نمونه از این تلاشهاست. این در حالی است که برخی معتقدند این اختیار که صرفاً در موضوع هسته‌ای به روحانی تفویض شده، با درشت‌گویی و مبهم‌گویی مورد سوء استفاده قرار گرفته، تا به گونه‌ای وانمود شود که هیئت ایرانی در تمام موضوعات «از سوی رهبری» واجد اختیار تام است. (۱)

زاویه دوم، برداشت سیاسیون به اصطلاح اصولگرایی است که همواره پدنیال «کد»ها و شنیده‌ها و حرفهای درگوشی‌اند تا مثلاً از نیتها و ذهنیتهای رهبری، بیت رهبری و به همین ترتیب هرکس که نزدیکتر به رهبری است باخبر شوند. رفتار این دسته اصولاً این‌گونه است که سعی می‌کنند ابتدا از نظر رهبری مطلع شوند و سپس شروع به تئوری پردازی و توجیه تراشی کنند. اینها دقیقاً همان کسانی هستند که به خوبی در دام صحنه‌آرایی دسته بالا بازی خواهند خورد و چنانکه مشاهده می‌شود، رفتار هیئت ایرانی را به اعتبار اختیار تامی که از آقا داشته‌اند و یا توجیه تراشی‌هایی مثل اینکه «اصلاً مگر می‌شود با آقا هماهنگ نشده باشد»، یک رفتار مدبرانه، تیزهوشانه، مقتدرانه و الی آخر تحلیل می‌کنند. متأسفانه باید اذعان کرد که صحنه سیاسی امروز کشور -از مجلس و نهادهای مشابه گرفته تا رسانه‌ها و غیره- بطور غالب، گرفتار در اراده این گروه به نظر بنده ورشکسته است؛ اینان ورشکسته‌اند، چون

رفتار آقا در قبال روند مذاکرات هسته‌ای در دولت هشتم است.

«هی فشار آوردند که باید این را تعطیل کنید، باید آن را تعطیل کنید، رسیدند به کارخانه‌ی یو.سی.اف اصفهان، گفتند: این را هم باید تعطیل کنید. آن مقدمات اولی است. بنده آن وقت به مسئولین گفتم که اگر این حرف را گوش کردید، فردا خواهند گفت باید معادن اورانیوم را هم که توی این کشور هست، کلاً یک‌جا جمع کنید بدهید به ما... آخرش هم گفتند: این تعلیق موقت کافی نیست؛ اصلاً باید کلی بساط اتمی را جمع کنید. همین اروپائی‌ها که میگفتند شش ماه تعلیق کنید، وقتی این کار را کردیم، گفتند بایستی جمع کنید!.. من همان وقت هم در جلسه‌ی مسئولین -که از تلویزیون پخش شد- گفتم اگر چنانچه بخواهند به این روند مطالبه‌ی پی‌درپی ادامه دهند، بنده خودم وارد میدان می‌شوم؛ همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب‌نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب‌نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد.»

آنچه در روایت رهبری مشهود است، اینست که در جریان مذاکره و باوجود تشخیص قطعی ایشان بر غلط بودن و خسارت آمیز بودن عقَب نشینی تیم مسئول وقت پرونده هسته‌ای ایران، آیت الله خامنه‌ای تنها مسئولان را نسبت به عواقب روش غلطشان انداز می‌کند. به دیگر سخن، ایشان نظر قطعی و از قضا درست خود را اِخبار می‌کنند، اما دستوری انشاء نمی‌کنند تا فرصت از مسئول کار برای به نتیجه رساندن مدل مورد نظرش گرفته نشود. اما هنگامی که شکست مدل سازشکارانه و رو به عقَب مسئولین وقت پرونده قطعی می‌شود و تیم مسئول، علاوه بر ارائه نکردن هرگونه ایده تازه‌ای، مدت مسئولیت خود را نیز پایان یافته می‌بیند، ایشان وارد می‌شوند، آن هم کاملاً مبتنی بر پیش بینی قانون اساسی، و کشور را از بن بستی که دست پخت تیم مسئول مذاکرات هسته‌ای در سالهای منتهی به ۸۴ است، می‌رهانند.

امروز هم آقای روحانی با رأی پنجاه ممیز هفت دهم درصد مردم بر سر کار آمده. قواعد مردم سالاری می‌گوید که منتخب مردم باید میدان کافی برای عملی کردن اندیشه‌ها و شعارهایش در اختیار داشته باشد. آیت الله خامنه‌ای هم، مطابق آنچه پیش از این در گفتار و بخصوص در عمل نشان داده‌اند، این میدان عمل را بطور حداکثری در اختیار روحانی و تیمش قرار داده و خواهند داد. نتیجه این حرف آنست که از زمان آغاز به کار دولت جدید تا پایان آن، در تمام تصمیمات و اجرائیات حوزه دولت، از جمله حماسه آفرینی هیئت اعزامی به نیویورک، تصمیم تصمیم دولت است، اجرا در اختیار دولت است و مسئولیت پاسخ‌گویی و توجیه عمل هم برعهده دولت است. در جمهوری اسلامی هرکسی در قبال عملکرد خود مسئول است و بدین ترتیب، این شخص آقای روحانی است که باید پاسخگوی عملکرد دیپلماتهای اعزامی به نیویورک و مهمتر از همه بدعت‌های تازه در دیپلماسی جمهوری اسلامی باشد و از آن در پیشگاه ملت دفاع کند.

(۱): برای مثال، فؤاد ایزدی کارشناس مطرح مسائل آمریکا، در آغاز سخنانش در جلسه مناظره با صادق زیباکلام در دانشگاه امام صادق، بقول خودش خیال مستمعین را راحت می‌کند که آقای روحانی تنها و تنها در موضوع هسته‌ای اختیار تام داشته است.

(۲): بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد؛
۱۳/۱۰/۱۳۸۶

وقت نماز مرگ بر

آمریکا ست

قصص امین پور

اینجا هرچند خانه و وطن ماست

اما بدان که قصد اقامت نکرده ایم

باید نماز قصر بخوانیم

زیرا مسافریم

اینجا

باید به خون خویش وضو کرد

یا با خاک خون گرفته تیمم کرد

برخیز تا نماز بخوانیم

جای نماز عشق همینجاست

وقت نماز مرگ بر آمریکاست

«پاداش این نماز کم از آن نیست»

جمعہ بے اعتما دی

به آمریکا

در حالی که برخی مقامات کشورمان مصرانه پیگیر برقراری رابطه دوستانه با دولت آمریکا هستند، مقامات این کشور از روی میز بودن همه گزینه ها از جمله گزینه نظامی در برابر ملت ایران سخن می گویند و همچنین مدعی برقراری تماس تلفنی توسط طرف مقابل هستند و قدم مثبتی در راستای احقاق حقوق ملت ایران برنداشته اند.

در همین راستا کمیته صیانت از منافع ایران با صدور اطلاعیه ای ضمن اشاره به جنایت های آمریکا در شصت سال اخیر در حق ملت ایران و همچنین عهدشکنی های پی در پی این کشور در مواجهه با سایر ملت ها با نام گذاری جمعه این هفته به «جمعه بی اعتمادی به آمریکا» از ملت هوشیار ایران برای برگزاری راهپیمایی اعتراضی پس از نماز جمعه دعوت به عمل آورده است.